

این اثر، مجموعه ای است از سخنرانی ها و مقاله های گوناگون استاد شهید مطهری (ره) در سال های ۴۱ تا ۴۹ شمسی که در زمان حیات ایشان، تنظیم، و پس از ملاحظه و بازبینی توسط ایشان، به همین نام چاپ شد.

## **تقوا**

واژه قرآنی تقوا یکی از این کلمات شایع و رایج دینی و حقایق ناب اسلامی است که علیرغم استعمال فراوان در میان عامه مردم، در فرهنگ و زبان فارسی با مهجوریت و مظلومیت عجیبی مواجه شده است. تقوا از ریشه وقی به معنای حفظ، صیانت و نگهداری بوده و ترجمه صحیح اصطلاحی آن، خودنگهداری و حفظ نفس است و متقین یعنی خودنگهداران. پس این واژه اسلامی در چارچوب مراقبت، محافظت و صیانت از داشته ها و توشه راه انسان تعریف می شود.

تقوا آن ملکه مقدسی است که در روح پیدا شده و حافظ و نگهبان انسان و رام کننده نفس اماره است. تقوا حالتی روحانی در انسان است که حکم حصار، اسلحه دفاعی و مرکب مطیع دارد. تقوا یعنی مراقبت دائمی از گناه.

## **امر به معروف و نهی از منکر**

جایگاه و تاریخچه: امر به معروف و نهی از منکر یکی از اصول عملی اسلام است که در قرآن مجید و فرمایشات معصومین (ع) و علماء دین با صراحت و تأکید از آن سخن به میان آمده است.

شهید مطهری طبق روش علمی خود، ابتدا به بررسی تاریخچه این موضوع می پردازند: تقریباً در حدود هزار سال قبل، در حکومت اسلامی تشکیلاتی به وجود آمد که دایره حسیه یا احتساب نامیده شد. این دایره به عنوان بازوی اجرایی حکومت در بخش امر به معروف و نهی از منکر، پایه دینی داشت و محتسبین، مخصوصاً آنان که در رأس دایره حسیه بودند می بایست هم عالم و مطلع باشند و هم با ورع و تقوا و امانت، و نوعی احترام دینی در میان مردم داشته باشند. البته این دایره، به دلیل وابستگی به دستگاه حکومت، کاملاً اسلامی نبود، اما به خاطر اجرای احکام اسلامی تشکیلات مفیدی بوده است.

وظیفه و اختیارات دایره حسیه گسترده بود و شامل بسیاری از نهادهای امروزی مانند نیروی انتظامی، شهرداری، بازرسی ها و غیره می شده است؛ حتی وظایفی که امروزه دستگاه خاصی متکفل آن نیست مانند نظارت بر مساجد و سخنرانی ها! این گستردگی اختیارات، گویای آن است که شعاع دید مسلمین در گذشته، نسبت به حوزه امر به معروف وسعت بیشتری داشته و این اصل را عملاً ضامن همه اصلاحات اخلاقی و اجتماعی خود می دانسته اند.

البته وجود این تشکیلات باعث نمی شد که سایر مردم از وظایف دینی و ارشادی خود مانند تذکر، موعظه و امثال آن خودداری کنند.

نکته مهمی که استاد مطهری در تبیین امر بمعروف و نهی از منکر بیان می کنند آن است که ریشه و خاستگاه این واجب شرعی، امری کاملاً انسانی و فطری است. زیرا یکی از صفات پسندیده و از نشانه های رشد و کمال، آن است که انسان فقط به فکر خود و آرزوها و منافع خود نباشد، به سرنوشت هموعان خود نیز توجه داشته و خیرخواه آنان باشد. ابراز این علاقه و حساسیت، مساوی است با توصیه به کارهای نیک و بازداشتن از کارهای ناپسند یا همان امر به معروف و نهی از منکر.

لازم به یادآوری است که حق تعرض در امر به معروف، به امور علنی تعلق گرفته و تجسس در زندگی خصوصی مردم به بهانه امر به معروف جایز نیست.

در ادامه این بخش، دیگر آفات و انحرافات رایج ما در نگاه به امر به معروف، چنین معرفی می شود: محدود دانستن دایره کارایی این اصل، بی تفاوتی و فراموشی نسبت به اصلاحات گسترده و مشارکت جمعی در جامعه اسلامی، انتظار بیش از حد از زبان و گوش نسبت به حسن عمل، اکتفا به عمل فردی و عدم همفکری و همکاری با مراکز حکومتی، عدم دخالت منطق و تدبیر در اجرای امر به معروف و صرفاً تعبدی فرض کردن آن.

تنها راه احیای این اصل به وجود آوردن مکتب و روشی عملی (نه فقط زبانی) و در عین حال اجتماعی (نه فقط انفرادی) و در عین حال منطقی و مبتنی بر اصول علمی روانشناسی و جامعه شناسی است. آن وقت است که صد در صد امید موفقیت هست. یگانه چیزی که در هیچ زمانی ممکن نیست به طور کلی جلو آن را گرفت و هیچ قدرتی نمیتواند به کلی از آن جلوگیری کند همین امر به معروف و نهی از منکر است.

## اصل اجتهاد در اسلام

اجتهاد یعنی صاحب نظر شدن در امر دین و لازمه این امر، سطحی نبودن فهم معارف دینی و پی بردن به روح دستورات الهی است یعنی همان فهم عمیق حقیقت یک چیز که در لغت فقه نامیده می شود و تفقه یعنی طلب کردن آن فهم و در آن تخصص پیدا کردن.

تقلید نیز در لغت بمعنی گردن نهادن و پیروی است اما گاهی این سر سپردن، بدون تحقیق و از روی تبعیت کورکورانه از محیط و عادات است که امری ناروا و غیرعقلایی است و گاهی از باب مراجعه به متخصص است که

در همه مسائل زندگی اجتماعی وجود دارد.

## احیای فکر دینی

این گفتار نیز به یکی از مهمترین دغدغه های شهید مطهری اختصاص دارد. ایشان با اعتقادی عمیق و امیدوی فراگیر، تنها راه سعادت بشر را عمل به معارف نورانی دین اسلام می دانند؛ اما در برابر این سؤال تأسف زا که اگر دین اسلام چنین پتانسیلی دارد که می تواند جهانی را نجات دهد، پس چرا خود مسلمانها سالهاست که در انحطاط و بدبختی به سر می برند؟! چنین پاسخی می دهند که:

اسلام یک حساب دارد و مسلمین حساب دیگر. اسلام زنده است و مسلمانان فعلی مرده. حقایق و سنت های دین و اصول کلی آن هرگز مردنی نیست، بلکه آنچه باید احیاء شود تفکر نیمه مرده امت اسلامی در مورد دین است. تفکری که باعث انحطاط مسلمین در عصر حاضر بوده است. پس درست است اگر بگوییم احیای تفکر دینی یعنی زنده کردن طرز تفکر خود ما، نسبت به دستورات دینی.

## فریضه علم

معلم شهید ابتدا به تعریف فریضه می پردازند با این بیان که: تعبیر واجب و مستحب در صدر اسلام به مفروض و مسنون معروف بوده است. یکی از موارد مهمی که در آیات و روایات عنوان واجب به خود گرفته تحصیل علم است.

استاد مطهری در توضیح این که آیا این سفارش اسلام، اختصاص به جنس یا گروه خاصی دارد، می گویند: در نگاه اسلام، نه تنها علم به عنوان حق، از امتیازات کسی نیست، بلکه به عنوان وظیفه و تکلیف، تحصیل آن بر همه افراد واجب است. هیچ استثناء و اختصاصی از لحاظ طبقه یا جنسیت ندارد، زمان و مکان معینی ندارد و باید از فرصت تحصیل در هر شرایطی، بهره برد.

## رهبری نسل جوان

حقیقت این است که نسل جوان یک نوع ادراکات، احساسات و آرمان های عالی دارد که در گذشته نبوده. در عین حال یک انحرافات فکری و اخلاقی خاص دوره خود را دارد که باید آنها را نیز چاره کرد. چاره کردن این انحرافات بدون در نظر گرفتن مزایا و بدون احترام به آن ادراکات و احساسات میسر نیست.

بنابراین باید درد عقلی و فکری این نسل را که نشانه بیداری اوست بشناسیم و به سوی رشد و تعالی، مدیریت و رهبری کنیم.

از دیدگاه استاد مطهری (ره) وظیفه رهبری نسل جوان دو ویژگی مهم دارد: یکی این که عام است و مسئولیتی که هر نسل نسبت به جوانان خود دارد، عمومی، فراگیر و بسیار حساس است؛ البته مسئولیت طبقاتی که سمت رسمی رهبری دینی اجتماع را دارند، سنگینتر است.

دوم این که بخلاف بسیاری از تکالیف که ما با انجام مقدمات، و انجام شکل و قالب معین شده از سوی دین، واجب خود را انجام داده ایم، در این رهبری و هدایت نسل جوان، ما مأمور به نتیجه هستیم یعنی باید با استفاده از وسایل مناسب و مقدمات متناسب با هر عصر و زمان، و فهم نیازهای مخاطب، رفتار و برنامه مناسبی را پیاده کنیم. از این رو برای انتخاب وسیله درست و انجام صحیح مسئولیت تا رسیدن به نتیجه مطلوب باید اندیشید و با رعایت تقوای الهی بصیرت لازم را در این مسئولیت خطیر به دست آورد.

### **خطابه و منبر**

این دو گفتار در حدود سال ۱۳۸۰ قمری در انجمن اسلامی مهندسين ایراد شده و به تعریف و بررسی فن خطابه و منبر و بطور ویژه به این سه موضوع مهم پرداخته است: نماز جمعه، عزاداری سیدالشهدا (ع) و موعظه. یکی از مصادیق خطابه که در متن دین قرار گرفته و از فرائض آن به شمار می رود نماز جمعه است. نماز جمعه، همان نماز ظهر روز جمعه است که البته در چاچوب احکام خاص خود، دو رکعتی بوده و واجب است با جماعت خوانده شود. دو خطابه قبل از نماز جایگزین آن دو رکعت خوانده است.

استاد مطهری برای این که اهمیت موعظه و تفاوت آن با تعلیم را بیان کنند ادامه می دهند: دانستن، یک مطلب است و متذکر شدن و تحت تأثیر تلقین یک نفر واعظ مؤمن متقی قرار گرفتن، مطلب دیگر. باید همیشه گروهی شایسته، مردم را موعظه کنند، به یاد خدا بیاورند، از غفلتی که از مرگ دارند بیرون بیاورند. از همین جا معلوم می شود موعظه ای که در دل اثر حقیقی به همراه داشته باشد جز به وسیله دین ممکن نیست.